



به نام خداوند گردان سپهر

تاریخ:/...../۱۴۰۲

موضوع: فارسی

نام و نام خانوادگی:

برای متن زیر نقطه بگذار

ار مارا رجه که گد سمد، نه مدان رسدند. در مک سوی مدان، مسخه ررگی دده می سد. گسد فروده ای و گلدسه های
 بلند آن، عظمک حاصتی داسب. در سوی دیگر، بوسان سرسر و ررگی بود. امند و مدرس وارد بوسان سمد.
 کفس ها و لباس هابان را در محلّ مخصوص گدا سسم. دوس گرشم و وارد سالس اصلی سدم. دو سم رای سا
 رف؛ اما س مدنی نه حب و حوس بچه ها در اسخر نگاه کردم؛ بعضی از آن ها سسار ماهرا نه سامی کردند.
 آن روز در صبح دلدر بهاری، راه انادام. بعد از دو ساعت، نه دامندی کوه رسدم. ماسای فله، حدر
 لذت بحس بود! آسمان آبی و هوا سسار ماکره و ممر بود.

را حله، ماسدهی گروه «کوس»، از روی مادداسب خود، خواند: «آلودگی صوتی ماسد صدای هوا سسا، بون
 ابوسل ها، صدای بلند بلور بون و صیط صوب بعضی از ماسس ها.»

مادر گفت: «ما ونی که دهقان نه امند دیگران سسسه بود، رای ما حظری بود و ما هم نگران بودم؛ انا ونی
 سدم او بسمم گرفته اسب خودس کار را احام دهد؛ فهمدم که اسجا دیگر حای مادن ما سسب.»

